

# کیمیائی باطنی

مسعود رباعی

www.kotab.ir



انتشارات عصر کنکاش

۱۳۸۴

سرشناسه	: ریاعی، مسعود
عنوان و نام پدیدآور	: کیمیاگری باطنی / مسعود ریاعی.
مشخصات نشر	: تهران: عصر کنکاش: ۱۳۹۵
مشخصات ظاهری	: ۱۶۲ص...
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۶۹۴۹-۹۰-۱
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: آداب طریقت
موضوع	: عرفان
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۴ ک۹ / ۲ / BP ۲۸۹
رده بندی دیویی	: ۲۹۷/۸۴
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۰۱۷۷۱۱

انتشارات علمی، فرهنگی، آموزشی عصر کنکاش



www.asrekitab.ir

عنوان کتاب:	کیمیاگری باطنی
مؤلف:	مسعود ریاعی
صفحه آرا:	ساعر ابوالقاسمی
طرح جلد:	عصر کنکاش
چاپخانه و صحافی:	چاپ صادق
نوبت چاپ:	سوم
سال چاپ	۱۴۰۱
شمارگان:	۱۰۰۰ نسخه
قیمت:	۶۰۰۰ تومان
نشانی:	تهران - میدان انقلاب - ابتدای کارگر شمالی - ابتدای فرصت شیوازی - پلاک ۱۹
آدرس الکترونیکی:	www.asrekankash.ir
پست الکترونیکی:	asrekankash@gmail.com
تلفن:	۶۶۵۹۵۰۰۸ - ۲۲۹۰۱۰۱۵ - ۶۶۹۰۷۳۹۴

کلیه حقوق این کتاب برای ناشر محفوظ است.

این کتاب با بارانه حمایتی منتشر شده است.

## فهرست

۵	..... مقدمه
۹	..... کیمیاگری باطنی
۵۵	..... مقالات
۵۶	..... رسول درون
۶۱	..... چند نکته تفسیری
۶۵	..... رویت صورت
۷۲	..... حق و مظهر حق
۷۵	..... وجه الله
۷۹	..... مأموریت ارواح
۸۳	..... فهم درست یک حدیث نبوی
۸۷	..... مکتب عشق
۹۱	..... عشق
۹۴	..... قدرت یأس
۹۷	..... بی نیاز از تأیید دیگران باش
۹۹	..... بی اعتباری
۱۰۲	..... پشیمانی

- تماشاگه راز ..... ۱۰۶
- دلسوزی ..... ۱۰۹
- دو مرگ و دو زندگی ..... ۱۱۲
- ذکر زنده ..... ۱۱۴
- راهی بر فراز دو راهی ها ..... ۱۲۰
- ذهن زنده ..... ۱۲۲
- تمثيل ها ..... ۱۲۷
- تمثيل دانه ..... ۱۲۸
- مليک رافع و دود ..... ۱۳۲
- پنج پير فرزانه ..... ۱۳۴
- خرقه من ..... ۱۳۷
- پير من ..... ۱۴۱
- روش های کاربردى (۵ روش) ..... ۱۴۳

## مقدمه

اگر در رنجی، به رنج احترام بگذار. احترام به رنج، مشاهده فهمانه آن است. چه این رنج است که تو را به آگاهی می رساند. باعث جهش به دگر سوی می شود. باعث می شود تا به جستجوی رهایی بر آیی. اگر رنج نباشد نه آگاهی شکوفا می شود و نه رهایی گل می دهد. این معنا و مفهوم باطنی "إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ" است. آیه می گوید "ما انسان را در رنج آفریدیم". و چه خوب! درست است! زیرا رنج، محرک رهایی است. هدایتگری است که مسیر خلاصی را نشان می دهد. اگر بدن تو درد نکند، اگر با درد بیگانه باشی، هیچگاه به طبیب مراجعه نخواهی کرد. و هر بیماری تو را در خفا از پای در خواهد آورد. رنج، یک هشدار فهمانه است. سالکان همواره به آن "سلام" می کنند. تمام انتباهاتی که آنها را بزرگ می شماری و می ستایی شان، در رنج بوده اند. مزه اش را نوش کرده اند. کسی بدون رنج، به رهایی دست نیافته است. هر رنجی مسیر درست را به تو نشان می دهد. به موقع می آید. این نکته را عمیقاً بفهم. و چون جاهلان نگو که چرا رنج است. دانه تا زیر خاک نرود شکوفا نمی شود. رنج که نباشد تو هیچگاه هشیار نمی شوی. بیدار نمی گردی. به آگاهی و آزادی نائل نمی شوی. چون تکه سنگی در بیابان، می خوابی. خوابی سنگین و ابدی. ای دوست، تو با بی حرمتی به رنج از دستش خلاص نمی شوی. با نگاه آگاهانه به رنج است که از آن رها می گردی. هر رنجی درس خود را دارد. درسش را بگیر، خودش زایل می شود. کاش این نکته را می گرفتی. سالکان فهیمی که به اساتید بزرگ رجوع می کنند این نکته را می دانند. می دانند که آن اساتید، به انواع ترفندها و حیل، رنج شان می دهد تا از درون تهییج شوند و قوای خود را در راه رهایی

و آگاهی بکار بندند. اساتید راستین، مفت خور بار نمی آورند. آنها سالکانی سختی کشیده و رها شده از رنج تربیت می کنند. چه نیک می دانند که این ثمر در زمین رنج به بار می نشیند. نخود در دیگ باید بجوشد تا خوردنی شود. و نان باید به تنور رود تا دلپذیر گردد. به ثمر نشستن، بی رنج امکانپذیر نیست. تا کوره سوزان نباشد از هیچ کیمیاگری کاری بر نمی آید. من رنج کشیده ام. هنوز هم می کشم. آن به آن. لحظه به لحظه. اما رنج آگاهانه، نه رنج در غفلت. رنج در غفلت، حماقت است. ارزش نیست. من رنج خود را می پذیرم. نوش می کنم. آن را با کسی تقسیم نمی کنم. به جان دیگری نمی اندازم. گاه رنج را خود انتخاب می کنم. نه اینکه او مرا انتخاب کند. زیرا می دانم که نیل به "مطلق" از مسیر کنده شدن ها و بی آرزویی ها و بی خواهشی ها می گذرد. تا به کوره نرویی از ناخالصی ها رها نخواهی شد. کوره تو همان مسیر زندگی توست. مجموعه تقدیرات توست. هر کس رنجی دارد متناسب با حال و روزش. متناسب با راه رشدش. این هستی هوشمندانه عمل می کند. تک تک موجودات را می شناسد و بر اساس قابلیت شان، هدایت شان می کند. کار "رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ مَا بَيْنَهُمَا" همین است. هر موجودی مسیر رشد خود را دارد. برای همین است که مُقَدَّرَاتِ شان متفاوت می نماید. "لِكُلِّ وَجْهَةٌ هُوَ مُوَلِّيُّهَا". ای دوست، رنج را محترمانه بنگر. بین برای تو حاوی کدام تعلیم است. چه می گوید. به کدام سوی می کشاندت. تو با بد و بیراه گفتن به رنج، از دستش خلاص نمی شوی. تا پیامش را نگیری، تو را رها نمی کند. رنج، بیدارکننده است. چون "قارعه" است. پیامش را بگیر. بین کدام سو را نشانه رفته است. و آنگاه است که از دستش خلاص شده ای.